

اندیشه حضرت زینب(س) و مدیریت پیام رسانی عاشورا

فرایند پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بحران، برخورد و مداخله در بحران و آرامش و سالم‌سازی بعد از وقوع بحران را مدیریت بحران گویند.



همشهری آنلاین - شهرام شیرکوند : فرایند پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بحران، برخورد و مداخله در بحران و آرامش و سالم‌سازی بعد از وقوع بحران را مدیریت بحران گویند.

برون‌رفت از بحران، مدیری بسیار کار آزموده می‌طلبد تا از شرایط بحرانی به سلامت عبور کند به‌خصوص مجموعه‌ای دچار بحران جمعی باشند که حامل پیام بزرگی برای تمام انسان‌ها باشند مانند پیامبران الهی که وظیفه‌ای بسیار خطیر از طرف خداوند عهده‌دار بودند.

پیام‌آوران کربلا نیز حامل پیام آزادی از قید فراعین و پیام عزت و آزادگی و پیام شهادت با عزت در مقابل زندگی ذلت‌بار و پیام پیروزی خون بر شمشیر برای انسان‌ها بودند. در بحرانی‌ترین لحظه‌ها این پیام‌ها به بهترین و رساترین فریادها در گوش اهل تاریخ طنین‌انداز شد و صدای 171#& کیست مرا یاری کند؟ را آزادگان و شرافتمندان تاریخ انسانیت لبیک گفته و خواهند گفت. بدین سبب هرگز هیچ زور و سلطه‌ای را از مستکبران پذیرا نخواهند شد! اما امام سجاد(ع) و عمه‌اش زینب(س) و اهل بیت امام حسین(ع) در بحران بی‌نظیر تاریخ بشریت این پیام‌ها را به انسانیت رسانده‌اند. به جرات می‌توان گفت که حادثه عظیم کربلا عظیم‌ترین بحران بشری در عالم بوده است و از رهبری و مدیریت سیدالشهدا(ع) می‌توان الگویی جاودان برای برخورد با بحران‌ها در هر شرایطی استفاده و مدل‌سازی کرد. در این خصوص باید نقش حضرت عباس(ع) و حضرت زینب(س) به‌عنوان یاران امام حسین(ع) و دستیاران اصلی حضرت در صحنه بحران، به‌درستی تبیین شود. مقاله زیر به بررسی مدیریت و تدبیر حضرت زینب(س) بعد از واقعه عاشورا می‌پردازد.

رمز پیروزی حضرت زینب(س) در مدیریت برخاسته از ایمان وی نهفته است که در ایجاد تاریخ اسلام نقش فوق‌العاده‌ای را ایفا کرده و در بسیاری از صفحات تاریخ عاشورا حضور یافته و هدف سالار شهیدان را با تمام و کمال اجرا کرده است و جریان عاشورا و شهادت امام حسین(ع) و یارانش بدون حضور حضرت زینب(س) تداوم نمی‌یافت. این پیروزی از بعد مدیریت حضرت زینب(س) شامل 3 بخش است؛

- 1- مدیریت بر خود: مدیریت بر خود، با صبوری و مسلط بودن بر خویشتن به‌صورتی که مالک خشم و غضب و مهارکننده عواطف خود باشد و داشتن روحیه‌ای عظیم.
- 2- مدیریت بر دیگران: مدیریت بر دیگران با دلداری و پرستاری از زنان داغدار و کودکان صغیر و حضرت امام سجاد(ع) در هنگام کسالت.
- 3- مدیریت بر عالم هستی: مدیریت بر عالم هستی با معجزه‌ای که از خود در آرام کردن همه‌ها و هجوم‌ها نشان داد، به‌گونه‌ای که نفس‌ها در سینه حبس شد و این نفوذی در جهان وجود و طبیعت بود که از سوی حضرت زینب(س) انجام شد.

مدیریت و پیام‌رسانی حضرت زینب(س)

از روزی که کاروان امام حسین(ع) از مدینه به سوی مکه حرکت کرد تا به کربلا رسید، بر مسئولیت‌ها و مصیبت‌های حضرت زینب(س) افزوده شد. پس از شهادت امام حسین(ع) حماسه خونین عاشورا به پایان رسید. شهیدان آرام و غرقه به‌خون در آفتاب داغ روی ریگ‌های تفتیده کربلا آرمیدند؛ اکنون سنگین‌ترین وظیفه و مسئولیت حضرت زینب(س) آغاز شده بود. سرنوشت یک 171#&؛ نهضت که عمری جاودانه دارد، به‌دست یک زن سپرده شده بود. او اکنون با همه مصیبت‌هایی که دارد باید بزرگ‌ترین مسئولیت را در شرایط بحرانی اسارت به انجام برساند. خون‌های پاک مقدسی که دشت کربلا را رنگین کرد، به یک حماسه تبدیل شده

بود. این حماسه یک پیام داشت که هدف و آرمان نهضت عاشورا را بیان می‌کرد؛ پیامی که به یک پیام‌رسان نیاز داشت تا هدف نهضت و حماسه عاشورا را بیان کند و پیام‌رسان چنین آرمان و هدف جاودانه‌ای حضرت زینب(س) بود.

طبیعی است که در چنین شرایط بحرانی‌ای، شخصیتی غیر از حضرت زینب(س) نمی‌توانست از عهده چنین مسئولیت بزرگی برآید؛ به همین دلیل است که حضرت زینب(س) بزرگ‌ترین الگو و نمونه برای زنان مسلمان در مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آید. آنان با الگوپذیری از چنین شخصیتی می‌توانند گام به عرصه فعالیت‌های سیاسی بگذارند و از چهره انقلابی حضرت زینب(س) مشروعیت کسب کنند. شیرزن کربلا آنگاه که با فاجعه عظیم به آتش کشیدن خیمه‌ها و حمله به حریم رسول‌الله مواجه می‌شود ماهرانه و مدبرانه عمل کرده و بر اوضاع مسلط شده و شرایط را به وضع عادی برمی‌گرداند و حال دنیای امروز به انصاف قضاوت کند که کدامین مدیر بحران و فاجعه پس از پری‌شدن 72 تن از همراهانش و دیدن آن همه سختی و مشقت ایشان، می‌تواند تدبیر امور کند و نگذارد فاجعه به معضل جبران نشدنی بدل شود. امام حسین(ع) حضرت زینب(س) را وصی خود قرار داد و مسئولیت کاروان اسیران را بعد از خود بردوش حضرت زینب(س) گذاشت که این خود می‌تواند دلیل روشنی باشد برای مشروعیت فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان مسلمان در جامعه.

مدیریت کاروان اسیران

شاید سخت‌ترین دوران مدیریت حضرت زینب(س) زمانی بود که یزیدیان خیمه‌گاه امام حسین(ع) را به آتش کشیدند. حضرت زینب(س) در آن شرایط بحرانی در#171؛ تل زنبیه» رفت و عمر سعد را ندا داد که برای غارت خیمه‌ها، لحظه‌ای درنگ کنند، تا زنان اهل حرم اموال، لباس‌ها و زیورات خود را درآورده یکجا گرد آورند تا یزیدیان به یغما ببرند. او با این تدبیر زنان و کودکان را از دست درازی سپاه یزید، نجات بخشید. در تاریکی شب هنگامی که خیام امام حسین(ع) آتش گرفت و کودکان از ترس به هر طرف می‌دویدند و امام سجاد(ع) از تب به خود می‌پیچید و در گوشه خیمه افتاده بود، هر انسان دیگری غیر از حضرت زینب(س) خود را گم می‌کرد و نمی‌توانست چاره‌ای برای بحران بیندیشد. گویا او همه مصیبت‌ها و داغ‌هایش را فراموش کرده بود که این چنین فعال در صحنه حاضر بود؛ از یکسو سعی داشت امام سجاد(ع) را از شعله‌های آتش نجات دهد و از سوی دیگر به طرف کودکان فراری در آن تاریکی شب می‌دوید، تا گم نشوند؛ به راستی که حضرت زینب(س) در آن شب ماتم و اندوه به خوبی توانست زنان و کودکان را سرپرستی کند و آنان را گردهم آورد.

فردای آن روز باید کاروان اسیران حرکت می‌کرد. حضرت زینب(س) با نیرو و توان علوی‌ای که داشت همه‌اسیران را بر اشتراک سوار کرد تا دست نامحرم به سوی آنان دراز نشود، هنگامی که کاروان حرکت کرد، حضرت زینب(س) به عمر سعد گفت: ما را از قتلگاه عبور بده تا اسیران با شهیدان وداع کنند. کاروان اسیران وقتی به قتلگاه رسیدند، هر کس خود را بر بالین عزیزان‌شان انداختند. در چنین شرایطی نیز حضرت زینب(س) از مسئولیت خود غافل نیست؛ در حالی که مشغول وداع و عزاداری با برادران، پسران و برادرزادگان بود، وضعیت جسمانی حضرت سجاد(ع) را هم زیر نظر داشت زیرا وقتی چشم حضرت سجاد(ع) به اجساد پاره‌پاره و غرقه به خون پدر، برادران، عمو و عمو زادگان افتاد، حالش منقلب و رنگش سفید شد و به رعشه افتاد.

حضرت زینب(س) بی‌درنگ خود را به حضرت سجاد(ع) رساند و در حالی که خود کوهی از غم در سینه داشت، حضرت سجاد(ع) را دل‌داری داد، از او خواست تا صبر پیشه کند و گفت: ای یادگار جد، پدر و برادرانم، چرا ناراحت هستی و جان خود را در معرض نابودی قرار داده‌ای، سوگند به خدا که این مصیبت‌ها را جد و پدرت به ما خبر داده‌اند و ما در انتظار چنین روزی بودیم... افرادی خواهند آمد و این بدن‌های پاره‌پاره شده را جمع خواهند کرد و به خاک خواهند سپرد. در این سرزمین برای پدرت نشانه‌ای نصب خواهد شد که گذشت قرن‌ها آن را محو نخواهد کرد. زینب با شجاعت، درایت و هیبت علوی که داشت هرگز اجازه نداد رنج اسارت آنان را از پای درآورد و روحیه خود را در برابر دشمن بیازند و از خودشان ذلت و زبونی نشان بدهند، حفظ روحیه اسیران، بزرگ‌ترین حربه‌ای بود که یزیدیان زمان را رسوا کرد و پرده از جنایات آنان برداشت.

کورت فریشر، نویسنده آلمانی کتاب #171؛ امام حسین و ایران» می‌نویسند: #171؛ زینب(س) با همه اینها مسئولیت اداره امور اسیران را داشت. قبل از آنکه در محاضر برای سخنرانی حاضر شود، همه کودکان را دقت می‌کرد که گم‌نشوند. خود غذای کودکان را می‌داد و تطبیق می‌کرد تا احدی از کودکان بی‌غذا نماند و بعضی اوقات حتی یک لقمه برای خود او نمی‌ماند.»

رمز قهرمانی حضرت زینب(س)

غالباً ما حضرت زینب(س) را به لفظ #171؛ قهرمان» می‌خوانیم اما به علت قهرمانی او کمتر می‌اندیشیم. جهات برجسته و تحسین‌برانگیز دختر علی‌بن‌ابی‌طالب، فکر انسان را به واقعیتی معطوف می‌دارد که شاید رمز عظمت و سربلندی حضرت زینب در همان نهفته باشد و آن اینکه روح زینب(س) در برابر هیچ حادثه‌ای نشکست. علت مقاومت و ایستادگی زینب را در کجا باید جست‌وجو کرد؟! اینگونه نیست که بدون هیچ تلاشی این موهبت الهی در اختیارش قرار گیرد. سفیر کربلا از آن جهت قهرمان است که

راحت‌طلبی را برای خود ننگ و عار می‌دانست. او با زندگی در بلا و سختی‌ها خو گرفته بود و پایداری و استقامت را در حوادث و بحران‌های زندگی بهترین زینت و آرایش انسان می‌دانست. وقتی آگاه شد برادر آهنگ سفر دارد، با وجود آگاه بودن از پیامد خطرناک آن، مشتاقانه به خیل بلاجویان پیوست و در کوران مصایب و سختی‌ها، صبر و شکیبایی و صلابت خود را به ظهور گذاشت.